



<http://www.arianafghanistan.com>



۲۰۱۸/۰۸/۱۶



عارف عباسی

آیا وضع سوریه درسی برای افغانستان نیست؟

در قبال تحولات سیاسی جهانی و تبارز حلقات ضد منافع ملی آینده مملکت باید توجه جدی قرار گیرد! آیا وضع سوریه درسی برای افغانستان نیست؟

داکتر اشرف غنی احمدزی و داکتر عبدالله عبدالله هر دو در برابر تاریخ و ملت افغانستان مساویانه مسؤول و جواب ده اند. با تفاوت نام مقام ها به اساس توافقنامه سیاسی غیر معمول و غیر قانونی بین شان، در واقعیت امر، مقام رهبری میان دو نفر مساویانه تقسیم شده. هر دو خسروان یک اقلیم بوده، و ما صاحب دو رئیس جمهور شدیم.

در فصل سوم قانون اساسی طی ده ماده «رئیس جمهور» وظایف و صلاحیت های رئیس جمهور توضیح گردیده که شامل حال هر دو است، که اجرای هر وظیفه و کاربرد هر صلاحیت بنا بر اصول توافقنامه امضاء شده باید مشترکاً به توافق و تفاهم همدیگر صورت گیرد.

ایجاد حکومت وحدت ملی! و توافقنامه ذات البینی چنین شرائط غیر قانونی را در قانون اساسی بدون تعدیل بوجود آورد. لذا با چنین شراکتی این عادلانه نخواهد بود که بهر نقصانی گریبان یکی را گرفته ملامتی ها را متوجه یکی از این دو رئیس جمهور ساخت، هر دو در برابر همه رویداد ها مسؤولیت مساویانه دارند.

این رهبری دوگانگی محصول شائیدن (بی ادبی معاف) «جان کری» بر اصول و قوانین دموکراسی بوده و دومین خیانت امریکا بعد از کنفرانس «بن» در حق افغانستان است که مشروعیت حق این ملت را برای تعیین سرنوشت و مقدراتش فدای خواسته های سیاسی خود گردانیده و این سلی محکمی بود به رخسار غرور و کرامت مردم این وطن.

اگر واقعاً دموکراسی نزد امریکا و ملل متحد ارزش می داشت و اراده تأمین عدالت و شفافیت موجود می بود با یافتن تقلبات بی شمار و علنی طرفداران هر دو نامزد باید این انتخابات از بیخ و بن ملغی قرار داده شده و غیر قانونی اعلان می شد و به عوض این ابتکار ظالمانه و خائنه و نیم راهی رفتن همان حکومت فاسد قبلی برای سه ماه تمدید و با قبول مصرف ۳۰۰ میلیون دالر دیگر انتخابات جدیدی تحت نظر و مراقبت نمایندگان اعضای دائمی شورای امنیت ملل متحد و با پاسبانی قوای نظامی حفظ صلح ملل متحد از مراکز رأی دهی دایر شده صندوق های آراء به ملک سومی انتقال داده شده عملیه شمارش صورت گرفته برنده اعلان شده تا مورد قناعت همه قرار می گرفت فهوه المراد.

با تقدیم این عرایض باید افزود که دست بالا کردن ها، بغل کشی ها و روبوسی های اشرف غنی و عبدالله مثل انتخابات تقلبی، خود فریبی و عوام فریبی بوده هر دو طرف معامله از روی صداقت و پابندی به اصول گرانی و عظمت چنین مسؤولیت ملی را درک نتوانسته برای سعادت، رفاه و آسایش و عمران مجدد افغانستان برای همکاری تعهد صادقانه نکردند. از آغازین کار کشمکش، منم گویی و قدرت طلبی آغاز شده، وعده های سپرده شده دوران انتخابات تحت نام های قلبی به تاق نسیان گذاشته شده علائق و سلائق و وابستگی ها مسائل ملی را تحت شعاع قرار داده اختلافات بر جزئیات و موضوعات فرعی و منافع ملی و خدمت به مردم را پس پا زده شب ها و روز ها در اختلافات بالای تقرر وزراء، معین ها، رؤسا و سفراء و قوماندانان قطعات اردو و قوای امنیتی گردید. متأسفانه عملاً در هیچ موردی توافق نظر بین این دو رهبر دیده نشد.

اصلاً از لحاظ سوابق و محیط های متفاوت زیست و تکامل اندیشه ها، و ذهنیت ها، سوابق و چگونگی فعالیت و تجارب در بازی های گوناگون سیاسی و استخباراتی این یک ترکیب غیر عملی و غیر معقول بوده و اصلاً توقع پیمودن یک راه معین توسط هر دو شخص احمقانه بود.

این منازعات و کشمکشها سه سال پر ارزش حیات این وطن را که باید معایب و ناکامی ها و غفلت های عمدی دوره آلوده با فساد پیشین را اصلاح و یک برنامه وسیع البنیاد باز سازی را با تثبیت رجحانات آنی تعقیب مینمود در عمل پی گیری نشده، بدون هیچ نوع بدبینی این حکومت نه تنها وضع رقت بار گذشته را اصلاح نتوانست بلکه متأسفانه خود دست آورد قابل تذکر در هیچ ساحه اقتصادی و اجتماعی نداشت که من آنرا در فهرست بگنجانم بلکه وضع بسوی بدترین مسیر یافت. شاید کارهای خورد و ریزه این جا و آن جا شده باشد که نظر به حجم نیازمندی های کشور ناچیز بوده قابل ملاحظه نیست. بدبختانه احوال با گذشت هر ماه و سالی وخیم تر و بحرانی تر هراس بر انگیز شده.

این رهبری غیر متعهد و متفرق روان به دو راه متفاوت عظمت، حیثیت، وقار مقام ارشد مملکت را خدشه دار ساخته توانمندی آن را در تطبیق قانون تضعیف نموده به صفر تقرب بخشیده زمینه سوء استفاده و بهره برداری معاندین و مخالفین سیاسی را با پیوند های گوناگون شان با اجانب فراهم آورد و باعث ایجاد یک حالت خود سری، زورگویی و تمرد گردیده یک انارشی و قانون شکنی را بار آورده اثری از باز پرس و مؤاخذه قانونی به نظر نمی آید این استقلال طلبی ها و خواست های تغییر نام مملکت و انکار نمودن از ملیت افغان هیچ کدام تصادفی نیست، این همه طرح شده و سنجیده شده به تحریک اجنبیان صورت می گیرد این اعمال تخریبی و زش باد های قبل از طوفان است که به مراتب خطرناکتر و مهیب تر از بحرانات حاکم اقتصادی و اجتماعی و بالاخص بحران گسترده امنیتی است.

حوادث و واقعات سیاسی دنیا چنین زنجیروار باهم گره خورده که عکس العمل هر تغییری در مملکت دیگری پدیدار میگردد. همه می دانیم که در حدود پانزده هزار قوای نظامی امریکا و ناتو در افغانستان در حال جنگ با طالبان اند و همه می دانیم که حکومت امریکا از موافقت با قرار داد هستوی با ایران سر باز داشته از آن پا بیرون کشید و تعزیرات شدید اقتصادی را بر ایران وضع نمود و از جانبی اسرائیل فرزند دلبند امریکا مواضع سپاهیان ایران و خطوط مواصلاتی آن را در سوریه بمبارد نمود. پس برای ایران مناسب ترین محل با همه امکانات دست داشته به منظور برخورد با امریکا جز افغانستان کجا بوده می تواند.

سیاست کج دار و مریض امریکا با پاکستان در عدم یک برخورد قاطع و سزای تأدیبی لازم، فشار اقتصادی امریکا بر پاکستان آن کشور را بیشتر به سوی چین میلان داده و وابسته ساخته و اعمال نفوذ چین در منطقه رو به به فزونی می رود و هندوستان را در مضیقه قرار می دهد، پس افغانستان با مداخلات و درگیری های چهل ساله پاکستان با داشتن طالب مساعد ترین جا برای انتقام جویی از امریکا است.

موجودیت قوای نظامی امریکا در سوریه برای موفقیت های سیاسی و نظامی روسیه موانع ایجاد نموده و روسیه فرصت می طلبد که به بهانه جلوگیری از نفوذ تروریسم و موج اسلام گرایی به آن سوی آمو برای تصفیه حساب با امریکا حضور خود را در شمال افغانستان توجیه نماید.

گماشتگان این قدرت های منطوقی در افغانستان با ماجرا جویی ها و آشوب گری ها و استبداد دروغین یک قوم را بهانه قرار داده و اشرف غنی را متهم به قوم گرایی کردن با صدور اخباریه های اعلام خود مختاری برای ایجاد چنین حالت زمینه سازی می نمایند.

از این جاست که شواهد، قرائن، دیدن و شنیدن رویداد ها و گزارشات جاری و فعالیت های علنی و مخفی مطابق اهداف معین در دل من و صدها هزار افغان با احساس و وطن پرست هراس آن می افگند که احتمال سوریه شدن افغانستان با گذشت هر روز قوی تر می گردد. مگر این که تدابیر آبی، عقلانی، قاطع و جدی توسط این حکومت دو سره اتخاذ شده در عمل پیاده گردد.

بدین ملحوظ من اشرف غنی احمدزی و عبدالله عبدالله را مخاطب قرار داده عرض می کنم نه توصیه که نجات افغانستان از این حال و جلوگیری از سقوط و سرنگونی آن در قدم اول ضرورت اتحاد و هم فکری و هم دلی شما دو زعیم است که به نام خدا و به خاطر سی و شش میلیون افغان بدبخت که چهل سال است زیر شکنجه های گوناگون روزگار خورد و خمیر شده و بازیچه امیال و خواسته های دو ابر قدرت جهان قرار گرفته بی شمار کشته داده و بسیار ویران شده، بر روابط خود تجدید نظر نموده موقف و مقام و مسؤولیت های خود را جدی تلقی نموده برای صیانت استقلال و تمامیت ارضی و منافع ملی باهم صادقانه متحد شده این وطن را با اقدامات جدی و قانونی از سرنگونی و قهقراء نجات بدهند و هر اختلافی که در سه سال گذشته داشتند با درک حساسیت، وخامت و تهلکه برانگیزی اوضاع جهان و منطقه با عناصر و حلقات مخرب جامعه برخورد قانونی نمایند.

در قدم اول با موافقه و تفاهم هم دیگر اصلاحات باید از اردو و قوای امنیتی شروع شده، قوماندان های نا اهل و بی کفایت انتخاب هرکدام که باشد کنار برده شده قوماندانیت باسناد لیاقت و اهلیت به جوانان افغان از هر قوم و تبار بدون وابستگی ها به متنفذین سیاسی سپرده شود و از تعداد پاچه سرخان بی سواد نصوصار پیک در هر دو قوا کاسته شود.

محکمه خاص برای بازپرس عناصر ضد منافع ملی، آشوبگر، ماجرا جوی، تفرقه انداز تجزیه طلب تأسیس و این قماش مورد مؤاخذه قانونی قرار گرفته به سزای اعمال شان رسانیده شوند.

